

# ایران پیکساز پیروزی

تهران و کاراکاس در تدارک جشن برای موفقیت عملیات نفتکش‌ها

تحول در سرنوشت ملت ایران: از شهر یور ۱۳۲۰ تا خرداد ۱۳۹۹

ایران دیگر  
پل پیروزی کسی  
نمی‌شود



## وطن

راز در اعماق

با ورود فورچون، نخستین فرویند از ۵ نفتکش ایرانی به آب‌های تجاری ونزولا در ۴ خرداد، ارتش میزبان عملیات همه‌جانبه اسکورت و حمایت دریایی و هوایی را در پاسخ به تهدیدات احتمالی نیروی دریایی آمریکا به اجرا گذاشت تا میهمان ایرانی را به بندر ال‌پالیتو برسانند. آن روز ولادیمیر پادریانو لویز، وزیر دفاع ونزولا در گفت‌وگویی تلویزیونی از روی عرشه ایرانی به ۲ نکته کلیدی اشاره کرد. او ابتدا گفت: «این یک همراهی اسکورت‌آمیزی نیست، بلکه اقدامی جدی به نشانه خوشامدگویی و برادری است که حس قدرشناسی ما را به ایرانی‌ها بازگو می‌کند. قطعاً این لحظه‌ای تاریخ‌ساز است. نمی‌خواهیم درباره جهان ضعیف‌های آشکار سیستم سرمایه‌داری هستیم». سپس ادامه داد که نفتکش‌های ایرانی تنها حامل سوخت برای کشور ونزولا نیستند. این اشاره به عنوان فرمانده فانب (نیروی مسلح ملی بولیواری) یا همان ارتش ونزولا، بسیاری از کارشناسان بین‌المللی را به فکر فرو برد. حتی اگر این کشتی‌ها حاوی تجهیزات برای متحد لاتین ایران نبوده باشند، کیفیت حرکت ایمن و مطمئن آنها از محدوده سلطه سنتی آمریکا و ناتو به سمت کارائیب آن هم بدون اسکورت مشهود نظامی تا پیش از رسیدن به آب‌های ونزولا بی‌دلیل نبوده است. برخی تارنماهای تخصصی نظامی چنین حدس زده‌اند که با توجه به حضور ۱۲ فروند پهپاد پیشرفته نظامی ساخت ایران در نیروی هوایی ونزولا، محموله‌هایی مشابه از سوی ایران ارسال شده است. اما شوک اصلی را یک رسانه مشهور اقتصادی به افکار عمومی وارد کرد. تارنمای «فوربس» در گزارشی مدعی شد از عبور ایمن نفتکش‌های ایرانی از آب‌های آزاد (۲ اقیانوس، ۳ تنگه و آبراهه و ۴ دریا برای اقیانوس) به مسافت بیش از ۱۱ هزار کیلومتر یافته است: «زیردریایی‌های بدون سرنشین» پیشرفته‌ای که با هدایت سپاه پاسداران در تمام مسیر این نفتکش‌ها را همراهی می‌کردند. به گفته کارشناس دفاعی فوربس، این زیردریایی‌های هدایت‌شونده الکترونیک-دیژل که به مسافت‌های طولانی را بدون نیاز به توقف در اعماق دریاها طی کنند، تاکنون تنها در اختیار آمریکا و انگلیس بوده‌اند (عکس پایین) با این حال هنوز مشخص نیست اگر ترامپ حماقت می‌کند و دست‌نخورده نفتکش‌های ایرانی را صادر می‌کند، آیا زیردریایی‌های بدون سرنشین سپاه، ناو آمریکایی را هدف قرار می‌داند یا از نفتکش خودمان که ملوانانش تخلیه شده بودند به عنوان بمب متحرک علیه آمریکایی‌ها استفاده می‌کند؟



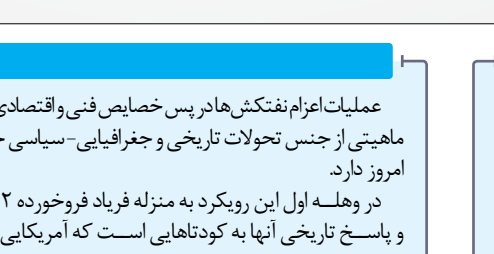
است کورس کبیر... فرمانروای ظالم سرتگون شده عراق هم بخت‌النصر (شاه بلبل) است. امروز با فتح بنار اسد در سوریه، تسلط بی‌سابقه بر لبنان، موفقیت‌های حوثی‌ها (اصطراالیه) در یمن، بسط نیروهای متحد ایران در عراق و حمایت ایران از فرماندهی حماس و جهاد اسلامی فلسطین در غزه، جمهوری اسلامی یک پل سرزمینی از تهران به سوی مدیترانه ساخته است که خیلی‌ها آن را به منزله احیای امپراتوری پارس می‌دانند». او در کمال تعجب اقتدار رهبر امروز جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را با کورس کبیر، پادشاه بزرگ هخامنشی مقایسه کرد. نیوزویک همچنین در گزارشی مبسوط به تاریخچه ایجاد این پل پیروزی میان تهران و کاراکاس پرداخت. بر این اساس نقشه تسلط پل بزرگ شرقی- غربی ساخت ایران و ونزولا در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۵) و با امضای سباهای بلندبالا از توافقنامه‌های همکاری‌های اقتصادی و راهبردی بین دولت‌های احمدی‌نژاد و چاوز در بازه زمانی ۴ ماه طراحی شده بود. درست یک سال بعد بود که با ارسال نفتکش‌های حامل بنزین از همین مجتمع پالایشگاهی کارونه- که امروز مقصد نفتکش‌های ایرانی است- به بندرعباس، نخستین اقدام عملی برای ساخت پل انجام شد. نیوزویک همچنین نقش سرفراز فعلی ۲ کشور را در کنار سپاه پاسداران و ارتش بولیواری در طراحی ابعاد پیچیده و گاه پنهان عملیات اعزام نفتکش‌ها بسیار مهم توصیف کرده است. به نوشته «جی‌سون برداسکی» که یکی از کارشناسان نامی «ایران هسته‌ای» است، هماهنگ‌کنندگان پشت‌پرده این عملیات به ترتیب «کارلوس ال‌کالا کوردوس» سفیر ونزولا در تهران و «حجت‌الله سلطانی» سفیر ایران در کاراکاس هستند. اولی یک ژنرال بازنشسته ارتش بولیواری و از وفاداران به چاوز است که تا پیش از سفر به ایران به عنوان دست راست امنیتی نیوکلاس مادرورو، رئیس جمهور ونزولا، جایگاهی مهم در حکومت این کشور و البته ارتباطات امنیتی تنگاتنگی با هم‌تایان ایرانی‌اش داشت. دومی اما سفیری است که در دومین دوره سفارت خود در ونزولا تجارب مهمی در ایجاد بسترهای لازم برای عملیات مزبور داشته است. در عین حال از نگاه کارشناس آمریکایی، نقش وزیر نفت سورئ تبار ونزولا و معاون مادرورو یعنی «طارق العیسی» نیز در این انتقال بسیار کلیدی بوده است. او نخستین مقام ونزولایی بود که روی عرشه فورچون، اولین نفتکش به مقصد رسیده حاضر شد و با کاپیتان آن دستی پس‌گرونی داد. عیسانی که پدرش از مقامات سوریه در دوران حافظ اسد بوده، از نظر نیوزویک یکی از نشانه‌های آشکار پل زدن ایران از نیوزویک مقاومت در شام به سوی حیاط خلوت آمریکاست.

اول جهانی نیز به دلایلی مشابه باعث مرگ ۸ تا ۱۰ میلیون ایرانی شده بود. فلاکت ناشی از اشغال باعث شد جمعیت ایران در ۲ دهه نخست قرن چهاردهم هجری شمسی رشد نکند که طبق نظریات توسعه «هالتوسی» معنای جز تحمل عقب‌ماندگی به ملتی با تمدن درخشان از سوی قدرت‌های استعماری نداشت. نکته عبرت‌آموز دیگر آنکه نه‌تنها اشغال ایران به عنوان یک کشور بی‌طرف در جنگ دوم جهانی توسط متفقین و در شهریور ۱۳۲۰ یعنی تنها ۲ هفته بعد از امضای منشور آتلانتیک بین چرچیل و روزولت انجام شد که در آن حق آزادی و استقلال تعیین سرنوشت برای تمام ملل جهان به رسمیت شناخته شده بود، بلکه با وجود به رسمیت شناخته شدن استقلال و تمامیت ارضی ایران، با صدور اعلامیه‌ای در پایان کنفرانس تهران توسط ابرقدرت‌های شرق و غرب، بخش‌هایی از شمال و جنوب کشورمان تا شش سال پس از پایان جنگ در اشغال بیگانگان ماند و کنترل منابع ما بویژه نفت تا سال‌ها تحت تملک انگلیس و سپس آمریکا بود. این رفتار توهین‌آمیز ابرقدرت‌ها و توافقنامه‌های بین‌المللی که بسادگی توسط کدخدایان امضاکندشان زیر پا گذاشته می‌شدند- و هنوز هم مثل بگرام پایمال می‌شوند- درسی بزرگ بود برای ملت ما تا تقریباً نیم قرن بعد از آن، انقلابی تاریخی علیه استعمار و استبداد را به ثمر بنشانند و دیگر در مقابل تحولات بین‌المللی متغیل و بی‌اختیار نباشند. بحث ما ایرانیان بلند بوده که قرن چهاردهم شمسی که ۳ دهه آغازینش چنان محنت و تحقیری برای پدران‌مان به بار آورده، هنوز به آخر نرسیده که ناگویی با پرچم ایران با اقتداری بی‌سابقه به پشتوانه ۴ دهه مقاومت انقلابی، امواج اتلانتیکی حیاط خلوت آمریکا را در نیمکره غربی شکافته و برخلاف میل سلطه‌گران غربی، پیوندهای راهبردی با مستعمره‌های سابق آنها رقم می‌زند؛ آفتابی که از شرق طلوع کرده و قدرتی که در غرب غروب می‌کند.

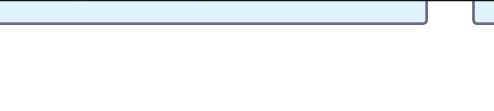
### معماران پل پیروزی

اما فقط تهران و کاراکاس نیستند که اعزام موفق ۵ نفتکش فورچون، فراسی، پتونیوا، فاکسون و کالول را یک اقدام راهبردی برای جهش شکستین سلطه فرابحری ۴ سده‌ای انگلوساکسون‌ها در جهان می‌دانند. در هفته اخیر شبکه‌های خبری و مطبوعات قدرت‌های خیزان اقتصادی شرقی چون چین، هند و روسیه و مصر و آفریقای جنوبی مملو از تحلیل‌ها و گزارش‌هایی با دستمخس مورد تحقیر و تحریف قرار گرفتن قدرت آمریکا و غرب توسط ایران و ونزولا بودند. شبکه روسی آر تی در وصف این عملیات چنین به رئیس‌جمهور آمریکا کنایه زد که خود در باتلاق داخلی کرونا و اختلافات سیاسی و قومی ایالات متفرقه اسیر شده است: «ترامپ تحویل بگیر! انتقال دریایی سوخت به ونزولا از ایران نشان داد متحدان چگونه می‌توانند با کمک هم تحریم‌های آمریکا را بی‌اثر کنند». واکنش هفتماهه آمریکایی نیوزویک، پرتیریزترین مجله دنیا به این واقعه حتی از رسانه‌های شرقی هم فراتر رفت و نه‌تنها غافلگیری غربی‌ها از تحولات شتابان قرنی را که فرید زکریا، سردبیر سابق این مجله «قرن بدون آمریکا» خوانده بود منعکس کرد، بلکه با کشوند چشم‌اندازهای جدید در رابطه با این ارتباط راهبردی آن را به «پل» جدید تشبیه کرد. او هفته پیش پس از عبور «فورچون»، نخستین نفتکش ایرانی از آب‌های کارائیب و از مقابل نگاه غضبناک ترامپ به سوی سواحل ونزولا، ارزش این عملیات را فراتر از تجارت نفت و سوخت بین ۲ کشور تحت تحریم واشنگتن دانست و گفت که این حرکت نه‌تنها سیاست تحریم واشنگتن را به بی‌بست کشاند بلکه سیاست کاخ سفید برای جنگی کردن وضعیت دریای کارائیب به منظور راه‌اندازی یک جنگ نفتی جدید در حیاط خلوت سلباقتش با هدف نجات از متجانب سیاست داخلی آمریکا را نیز در همان مراحل نخست به شکست کشاند.

استعمار قدیم و جدید و سردمداران سرمایه‌داری برای تدارک جبهه شرقی کشورها هموطن ما بر اثر جنگ قطعی و بیماری‌های واگیردار- که سوغات غرب بودند- بنا شده بود، در کمال بی‌اعتنایی و بی‌آنکه خسارتی به کشورمان بپردازند لگدمال کردند و رفتند. حتی محمدرضا پهلوی با وجود شخصیت واداده و غرب‌ده‌اش هم نتوانست آن تحقیرها را فراموش کند و در واپسین سال‌های سلطنتش به خیال اینکه دیگر ایران را به فانداری منطقی تبدیل کرده، دستور انتشار کتاب‌ها و مقالاتی را داد تا بلکه بتواند آن لکه ننگ نخستین را بزدايد- از جمله کمیک استریپ عظمت بازیافته، سال انتشار ۱۳۵۵- اما انقلاب ۱۳۵۷ و مقاومت و ایستادگی طی بیش از ۴ دهه مقابل تمام تجاوزات، تحریم‌ها و تهدیدها ثابت کرد که تحقیر ایران توسط بیگانگان در هر ۲ جنگ جهانی اول و دوم از حقارت حاکمان وقت ناشی می‌شد. جالب اینکه عنوان «پل پیروزی» نخستین بار به طور اختصاصی درباره «پل روسک» در سوادکوه آمده است، چرا که با این پل راه آهن مرتفع، مسیر راه آهن شمال- جنوب برای اتصال مرز ترکمن‌صحرائی شوروی به مستعمرات نفتی جهان در خوزستان و بندر خلیج فارس تکمیل می‌شد اما این پل که با اصرار رضاخان و توسط مهندسان آلمانی طراحی و پیاده شد، خود او و متحدان ژرمنش را قربانی کرده واقعتی که نشان می‌دهد ساده‌لوحی و عدم تحلیل دقیق مناسبات و معادلات بین‌المللی چگونه می‌تواند دولت‌هایی ملی‌گرا و عمل‌گرا چه در اروپا و چه در آسیا را به اشتباه بیندازد. در کتاب «ایران تحت اشغال متفقین در جنگ دوم جهانی» پل به پیروزی و سرزمین قطعی» با ارائه اسنادی مؤثق نشان می‌دهد چگونه این اشغالگری در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳ در کشوری که بیش از ۳ هزار کیلومتر از نزدیک‌ترین جبهه جنگ دوم جهانی در اروپا و شمال آفریقا فاصله داشت، حدود ۴ میلیون قربانی گرفت. در حقیقت یک‌چهارم جمعیت ایران در آغاز جنگ دوم جهانی تا پایان آن بر اثر قطعی و بیماری‌های وارداتی جان دادند. این در حالی بود که جنگ



بازراندگی نظامی و نفوذ منطفق‌های سود می‌برند که این ۲ کشور را تبدیل به ۲ پایه یک پل جدید بین‌المللی میان شرق و غرب می‌کنند؛ پلی که بنیان آن توسط ۲ ملت گذاشته شده است. مثلاً نیاز منطقه بشدت در حال توسعه آمریکا لاتین (شامل مکزیک و کشورهای لاتین آمریکای مرکزی و جنوبی) به سوخت فسیلی بر ۹ میلیون بشکه در روز بالغ می‌شود. از طرف دیگر ونزولا صدها کیلومتر مرزهای آبی و جنگلی اختصاصی و تقریباً غیرقابل رصد برای آمریکا با برزیل، کلمبیا، گویان و جزایر کارائیب دارد و می‌تواند نقش هاب توزیع بنزین و گازوئیل ایران در آمریکای لاتین را بازی کند. از طرف دیگر خود ونزولا صاحب بزرگ‌ترین ذخایر نفتی در جهان اما فاقد فناوری لازم برای تبدیل این ماده فسیلی به بنزین و گازوئیل با انرژی الکتریکی است. هرگونه تحولی در این زمینه در کاراکاس یا کمک ایران و دیگر کشورهای بزرگ شرق، آمریکای لاتین را به عنوان یک قطب هویتی نسبتاً مستقل از غرب صاحب منابع بی‌پایان انرژی مصرفی می‌کند که باعث مزیت اقتصادی‌اش نسبت به ایالات متحده و آمریکا شمالی خواهد شد. به عنوان میخی بر تابلوت سلطه آمریکا بر شبکه بانکی نیز باید به این حقیقت اشاره کرد که اگر چه طبق جدول سازمان تجارت جهانی، حجم تجارت دلاری بین ۲ کشور دوست و متحد ایران و ونزولا در ۲ سال اخیر نزدیک به صفر رسیده است اما در عمل معاملات ۲ کشور به صورت خدمات و صادرات و واردات پایاپای با براساس مبادله طلا و ارزهای دیجیتال پنهان در بستر بلاکچین انجام می‌شود. حماسه نفتکش‌های اعزامی ایران به ونزولا که دنباله ابتکار هوگو چاوز در اعزام تانکرهای سوخت به ایران در شرایط سخت تحریم سال ۲۰۰۸ بود، ثابت کرد پل نوین تجاری- مالی بین شرق و غرب یا انظور که وزیر خارجه ونزولا می‌گوید کریدور جهانی جنوب- جنوب تنها یک نقشه روی کاغذ نیست بلکه می‌تواند به منصفه ظهور برسد.



### ایران- ونزولا؛ پل جدید شرق و غرب

در آستانه ورود ایمن پنجمین و آخرین نفتکش اعزامی ایران به آب‌های سرزمینی ونزولا، هر ۲ کشور تدارک جشنی تاریخی را می‌بینند. ۲ کشور نفتی مهم جهان که در قرن بیستم اصلی‌ترین مستعمرات آمریکا در خاورمیانه و آمریکای لاتین محسوب می‌شدند، به لطف انقلاب‌های ۴ و ۲ دهه پیش مردم خود علیه سلطه بیگانه، حالا به مرحله‌ای از اقتدار و استقلال رسیده‌اند که زیر سایه سنگین‌ترین تحریم‌های اقتصادی و مالی و تهدیدات خصمانه نظامی از سوی واشنگتن و متحدان غربی‌اش، به تبادل ناوگان در شرق و غرب کره زمین می‌پردازند بی‌آنکه شیطان بزرگ جرات تعدی به آنها را داشته باشد. عملیات ۸۰ روزه بزرگ و همه‌جانبه سوخت‌رسانی به جمهوری بولیواری ونزولا و تامین تجهیزات انرژی آن توسط جمهوری اسلامی ایران در ازای ۹ تن طلا (معادل ۰/۵ میلیارد دلار) فقط یک معامله اقتصادی برای برقراری صادرات نفت ایران تحت تحریم‌های بی‌سابقه آمریکا و تامین روشنائی بخش‌های تحت تحریم بود. در تاریخکی فروز و فزنده کشور آمریکای لاتین تا ۲۰ روز آتی و پایان قحطی سوخت و وسایل نقلیه در این کشور نبود. به نوشته تارنمای کورنوال اورینوتو، کارگان ارتباطات رسانه‌ای دولت ونزولا، اگر چه سابقه روابط دیپلماتیک کاراکاس با ایران به دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد اما آنچه این رابطه صرفاً نفتی را تبدیل به اتحادی راهبردی کرد، انقلاب بولیواری ۲۰ سال پیش این کشور لاتین به رهبری هوگو چاوز فقید و تنظیم برنامه همکاری‌های تنگاتنگ و پیوندهای برادرانه بین ۲ کشور بود. است که علاوه بر حوزه انرژی، دهها حوزه نظامی و امنیتی، مالی و بانکی، اقتصادی و صنعتی و حتی فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود. خورشخ آراتازا، وزیر خارجه ونزولا نیز در توتیتی، همکاری کشورش با ایران برای دور زدن تحریم‌های یکجانبه آمریکا را یکی از میوه‌های برجسته جهان چندقطبی خواند و این رابطه راهبردی را در راستای دیپلماسی صلح بولیواری و در چارچوب رابطه جنوب- جنوب دسته‌بندی کرد و نوشت: «ما (ونزولا و ایران) همواره یکدیگر را در لحظات دشوار حمایت کرده‌ایم. امروز نخستین کشتی حامل بنزین به شهر ما رسید. سیاس ایران.» شگفت‌انگیز خواهد بود و تعاریف تجاری در حال زلزله جهان امروز را هر چه بیشتر به چالش می‌کشد. این به معنای ایجاد شار مالی و انرژی مستقل بین ۲ سربل مهم نفتی بین حوزه خلیج فارس (به عنوان پیوستی از منطقه بزرگ‌تر اقیانوس هند) و دریای کارائیب (به عنوان پیوستی از آمریکای مرکزی و جنوبی) خواهد بود. ایران و ونزولا که بشدت تحت تحریم و خصومت آمریکا و اروپا قرار دارند در عوض از مقاومت ملی و انقلابی، قدرت

### شروین طاهری روزنامه‌نگار

در واپسین سال قرن چهاردهم هجری شمسی به نقطه‌ای از مسیر سرنوشت ملت ایران رسیده‌ایم که با همه کاستی‌ها و مشکلات موجود، آنقدر مرتفع است که بر نخستین سال‌های همین قرن مشرف باشد. ۸ دهه پیش با اوج‌گیری جنگ جهانی دوم، سرزمین ما در اوج رنج و عسرت و اندوه ناشی از اشغال متفقین، زمینگیر بی‌جرزبگی پهلوی پدر و پسرش بود. رضاخان که پس از ۲ دهه قلدری برای ملت، با ورود قوای انگلیس و شوروی از پایتخت فراری شده و به تبعید خودخواسته رفته و پسرش محمدرضا بی‌اختیار روی کار آمده بود که خود از همان اوان به دست‌شده بودنش معترف بود. شاه ۲۲ ساله و یک لاقای پهلوی در سومین سال تاج و تخت لرزانش حتی اجازه نیافت در نشست رهبران متفقین در تهران (آذرماه ۱۳۲۲) حضور یابد. در حالی که ویستون چرچیل نخست‌وزیر بریتانیا، فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور آمریکا و ووزر استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی در سفارت شوروی در تهران، برای حمله گازانبری به آلمان نازی و ایتالیای فاشیست و یکسره کردن کار دولتهای محور و تصمیم‌گیری درباره آینده جهان پس از جنگ گمده کرده بودند، شاه جوان ایران که به آن لقب «پل پیروزی» متفقین را داده بودند، حتی اجازه نیافت وارد محل اصلی مذاکرات شود و شمع‌های جشن تولد چرچیل را فوت کند. با او مثل یک دربان رفتار شد که باید به خوشامدگویی به ابرقدرت‌ها از همان جلوی در اکتفا می‌کرد و می‌رفت. «چرچیل، روزولت و استالین» که با استفاده از موقعیت حساس خلیج فارس، خاک ایران و دریای خزر، با رساندن تدارکات و سلاح به شوروی، زمینه‌ساز پیشروی ارتش نازی در اوراسیا به سوی شبه‌قاره هند و ایران و بین‌النهرین و در نهایت شکست هیتلر را فراهم آورده بودند، در حالی برای تقسیم جهان پس از جنگ نقشه می‌کشیدند که کوچک‌ترین